

## هستی‌شناسی و فرآیند نجات در دین جاین

سیدناذر محمدزاده\*

استادیار دانشگاه آزاد اسلامی، واحد زنجان

### چکیده

این نوشتار در پی بررسی آراء فلسفی دین جاین، هستی‌شناسی، کرمه، اخلاق و نجات است. در این دین، وجود به دو گروه اصلی «جیوه» (روح) و «اجیوه» (اجسام) تقسیم می‌شود و در تحلیل خود از روانشناسی انسان ثنویت گراست. هر دو جوهر وجودشناختی ازلی، ابدی و نامخلوق‌اند. جیوه به دو گروه «دریند» و «رهایبی یافته» تقسیم می‌شود و اصل نامدرک یا جیوه، شامل پنج جوهر ماده، دهرمه و ادهرمه، فضا و زمان است. در دین جاینی به دلیل این که اعتقادی به خدای شخصی وجود نداشت، کرمه اصل بنیادینی بر بازپیدایی است. اوضاع دنیوی جیوه را مشخص می‌کند. درباره‌ی اخلاق نیز هدف اصول اخلاقی دین جاین رسیدن به نیروانه و محور اخلاق جاینی زهد و ریاضت است. پس رهایی در این آیین بسیار مشکل و مستلزم زندگی رهبانی است. با خودداری از کرمه‌ی حیات گذشته و کرمه‌ی جدید حاصل می‌شود. در این مقاله که به صورت توصیفی و تحلیلی فراهم شده است، این نتیجه حاصل می‌شود که اصول مهم این دین ریاضت و اهیمنسا است و تمام آراء فلسفی آن مطابق اهیمنسا است.

### کلید واژه‌ها:

جیوه، اجیوه، کرمه، اهیمنسا، اخلاق، نجات.

\*پست الکترونیک: nmohammadzadeh35@yahoo.com

## نگاهی اجمالی به دین جاین

دین جاینی، همچون خواهر خود (دین بودایی) دینی رهبانی و بدبین به دنیا است و بر ریاضت افراطی تأکید و سندیت آسمانی وادها را انکار می‌کند؛ از این رو، براهمنه‌ها آن را کیشی بدعت آمیز می‌دانند و هرگز آن را نپذیرفته‌اند. شباهت‌های زیاد این دین با دین بودایی سبب شده است بسیاری آن را شاخه‌ی فرعی دین بودایی بدانند. بنیان‌گذاران هر دو دین تقریباً هم‌زمان در قرن ۶ ق.م. و در یک منطقه از هند به دنیا آمدند. زمان به اشراق رسیدنشان با فاصله‌ی کمی از هم رخ داده است، هر دو در کاست کشریه<sup>۱</sup> (رزمیار) بودند، لقب‌های مشترکی مثل جاین<sup>۲</sup> (فاتح)، مهاویره<sup>۳</sup> (قهرمان بزرگ) و... داشتند، منکر خدا به عنوان خالق و هالک جهان بودند، نظام سخت کاست هندویی را شکستند و صرف‌نظر از کاست هر انسانی، به نجات او اعتقاد داشتند. از نظام هندویی عقاید کرمه<sup>۴</sup> و تناسخ را به عنوان ارائه‌کننده‌ی واقعیت اساسی وجود بشری پذیرفتند، ولی با وجود همه‌ی این شباهت‌ها، از نظر بسیاری از دین پژوهان، این دو مؤسس یکی نیستند و دین جاین نیز شاخه‌ای از بودایی نیست. بسیاری از این شباهت‌ها ناشی از ریشه‌ی مشترک آنها از دین هندویی و دین بومیان هند بوده است.<sup>۵</sup> داسگوپتا بر این باور است که دانشمندان اروپایی که با دین جاینی از طریق نمونه‌های ناقص ادبیات جاینی آشنا شدند، به آسانی خود را متقاعد کردند که این دین شاخه‌ای از بودایی است و حتی هندیان ناآگاه با ادبیات جاینی، اغلب دچار همان اشتباه شدند، اما اکنون هیچ‌گونه تردیدی نیست که این تصور کاملاً اشتباه است و دین جاینی حتی قدیمی‌تر از بودایی است. قدیمی‌ترین آثار بودایی بارها جاین را به عنوان دین رقیب، با اسم قدیمی آن «نیگنته»<sup>۶</sup> یا «نیرگرنه»<sup>۷</sup> و رهبر آن دین را، «ناته پوته»<sup>۸</sup> و «رده‌مانه مهاویره» ذکر کرده‌اند.<sup>۹</sup> بنابر نظر بسیاری، این دو، بیشتر اصلاح‌گر دین هندویی بودند و شورش‌ی علیه آن نبودند و در مقابل شریعت‌گرایی افراطی براهمنه‌ها برخاستند. عقاید مشترک آنها؛ مثل ریاضت، بدبینی به دنیا، تناسخ، اهیمنسا،<sup>۱۰</sup> مراقبه، یوگه<sup>۱۱</sup> و... مربوط به فرهنگ پیش‌آریایی هند بود.

1. ksatriya

2. Jain

3. Mahavirra

4. Karma

5. Soni JD, " Jainism", REP, vol4, p238

6. Niganta

7. Nirgrantha

8. Nataputta Varddha mana

9. Dasgupta S,A history of Indian Philosophy, vol1, P169; Zimmer H, Philosophy of Inida, P223

10. Ahimsa

11. Yoga

بسیاری از خدایان هندویی در دین جاینی پذیرفته شدند، حتی دین جاینی و بودایی بعدها تحت تأثیر شعائر گرای هندویی، به ویژه شکل «تنتره‌ای» آن قرار گرفتند.<sup>۱</sup>

با نگاهی دیگر به دین جاین، از نظر مبانی حکمتی و جهان‌شناسی، متوجه خواهیم شد که آن این اختلاف‌های اساسی با دین بودایی دارد. بودا به عنوان بنیان‌گذار بودایی تلقی می‌شود و بر عکس، مهاویره با این که به اشراق و معرفت کامل رسید، هرگز ادعا نکرد با اشراقش اصل فلسفی یا کشف جدیدی را فهمیده است؛ بنابراین، بنیان‌گذار جامعه‌ی رهبانی جدید نبود و از او بیشتر به عنوان اصلاحگر این دین و پشتیبان خود، به ویژه «پارشونته»<sup>۲</sup> یاد می‌شود. <sup>۳</sup> جاین قدمتی برابر با با وداها و شاید بیش از آن دارد. در «یجورودا»<sup>۴</sup> اسم سه تیرتنکره<sup>۵</sup> (پیشینیان مهاویره) و نیز در بهگوت‌پورانه<sup>۶</sup> ریشابه، مؤسس دین جاینی ذکر شده است.<sup>۷</sup> با این که بررسی دین جاین را معمولاً معمولاً با تولد مهاویره شروع می‌کنند، خود جاینی‌ها آغاز دین خود را از آن تاریخ نمی‌دانند. آنها بر این باورند که دینشان کهن‌ترین دین در هند است و بسیاری از عبارت‌های ودایی را می‌آورند تا اثبات کنند دین جاین پیش از کتابت وداها وجود داشته است.<sup>۸</sup>

اختلافات عمده‌ی دیگر آنها این است که در «اوپانیشادها»<sup>۹</sup> اعتقاد بر این بود که در پشت مظاهر و پدیدارها حقیقتی ازلی و ثابت وجود دارد. بوداییان نیز که فقط همین پدیدارها را می‌دیدند، اعتقاد به جوهر ثابتی نداشتند و عناصر را فانی، ناپایدار، برق‌آسا و پی‌درپی می‌دانستند، در حالی که مهاویره راه میان این دو را پذیرفت و آن دو نظریه را هم راهی افراطی دانست که از حقیقت دور شده‌اند. او هیچ تناقضی بین ثبات و تغییر پیدا نکرد. برای او بودن و شدن، هر دو جنبه‌های یک حقیقت هستند. او حقیقت را به عنوان ایجاد، زوال و بقا تعریف کرد.

دوم این که نگرش بودا به فلسفه‌های دیگر، انتقادی و منفی بود، اما نگرش مهاویره به دیگر مکاتب با الهام از مرام اخلاقی و اصل اعتقادی خود، یعنی اهی‌مسا، مثبت بود.<sup>۱۰</sup> برای مهاویره هیچ چیزی به شکل مطلق درست یا غلط نبود.

1. Jain Sagarmal, " Origin and development...", History of Science, Philosophy ; Cultural... , vol1 , pp683,684,686

2. parsvanatha

3. Zimmer, opcit, p224; Jacobi H, "Jainism", ERE, vol 7, p466

4. Yajurveda

5. Tithankara

6. Bhagavata Purana

7. Radha Krishnan S, Indian Philosophy, vol1, p287

8. Stevenson S, The Heart of Jainism, P50

9. Upanisads

10. Jain Sagarmal, artcit, vol1, p688

تفاوت دیگر این است که دین جاین مدافع ریاضت سخت‌گیرانه برای رسیدن به «موکتی» یا «مکشه»<sup>۱</sup> بود، در حالی که بودا افراط در زهد را محکوم کرد. او طرفدار راه میانه (مادیمیکه)<sup>۲</sup> برای رسیدن به نجات بود.<sup>۳</sup>

مهاویره بیست و چهارمین تیرتنکره (به معنی خدایان عبور دهنده از رودخانه) است. تیرتنکره‌ها کسانی بودند که از اقیانوس توهم دنیوی (سمساره)<sup>۴</sup> عبور کرده و به ساحل رسیده‌اند و از هرگونه دلبستگی کرمه‌ای آزاد هستند. ایشان بنیان‌گذار دین و موضوع پرستش محسوب می‌شوند. به طور کلی مفهوم «تیرتنکره» تقریباً شبیه مفهوم «تجسد خدا» (اوتاره)<sup>۵</sup> در هندوئی است. هدف هردوی آنها عرضه کردن دین است، اما اختلاف اساسی بین این دو مفهوم است.

مطابق «گیتا»<sup>۶</sup> هدف تجسد خدا عرضه کردن دین و از بین بردن بدی است، اما تیرتنکره‌ی تیرتنکره‌ی جاینی تنها عرضه کننده‌ی دین است و از بین برنده‌ی بدی نیست. تفاوت بنیادین دیگر این است که در اوتاره، قدرت برتر یا خدا برای تجسد یافتن خود در اشکال گوناگون و در اعصار مختلف بر روی زمین نزول می‌کند و از سوی دیگر، او تنها یک شخص است که خود را در زمان‌های مختلف تناسخ می‌دهد، اما در جاین هر تیرتنکره شخصی (روح) متفاوت است که براساس تلاش‌های خود که در تولدهای گذشته داشته‌است، به موقعیت متعال نائل می‌شود. البته هر دو مفهوم در شکل‌گیری خود، از هم تأثیرپذیرفته‌اند.<sup>۷</sup> تیرتنکره‌ها بعد از موکتی تأثیری بر امور دنیوی ندارند، اما به عنوان خدا پرستش می‌شوند.<sup>۸</sup>

نخستین تیرتنکره «ریشبهده»<sup>۹</sup> بود و بعد از وی تیرتانکره‌های<sup>۱۰</sup> دیگری در زمان‌های مختلف برای ارشاد ظهور کردند. در نظر برخی بیست و سومین آنها «پارشونته»<sup>۱۱</sup>، مؤسس حقیقی جاین است.

«ورده‌مانه» که او را فاتح نیز گفته‌اند و لفظ جاین از همین صفت مشتق شده است، در

1. Mukti, Mksa

2. Madhyamika

3. Idem, 686

4. Samsara

5. Avatara

6. Bhagavad- Gita

7. Jain Sagarmal, artcit, vol1, 712

8. Dasgupta S, opcit, vol1, p170

9. Risabhadeva

10. CF, Chatterjee Kumar Asim, A comprehensive history of Jainism, vol1 pp 1-21

11. Parsvanatha

«ویسالی»<sup>۱</sup> (۵۲۷-۵۹۹ ق.م) در منطقه‌ی بهار شمالی در خانواده‌ای از طبقه‌ی کشتریه به دنیا آمد. او در سی سالگی دنیا را ترک کرد و به پرهیزگاری و ریاضت‌های گوناگون مشغول شد و چون به حقیقت و اشراق رسید، به اشاعه‌ی آیین خود پرداخت و آن را در مناطق دیگر گسترش داد. دین جاینی برخلاف بودایی در سرزمین مادری خود هندوستان باقی ماند و در سرزمین‌های دیگر گسترش نیافت.<sup>۲</sup>

این دین از جمله ادیانی است که بین پیروان آن کمتر اختلاف اساسی دیده شده است و اختلافاتی هم اگر وجود داشت، بیشتر صوری بود. ریشه‌های ظهور اختلاف‌های این دین را می‌توان از قرن چهارم ق.م پیدا کرد. آخر این که در آغاز عصر مسیحی و کمی پیش‌تر با ایجاد شکاف در این دین، دو فرقه‌ی «دیگ آمبره»<sup>۳</sup> (آسمان جول‌ها) و «شوتامبره»<sup>۴</sup> (سفیدجامگان) (سفیدجامگان) ظهور کردند.

چنان‌که از اسم این دو فرقه پیداست، اختلاف بیشتر در لباس پوشیدن یا نپوشیدن آنها بود. راهبان و راهبه‌های شوتامبره ردهایی (یک جامه‌ی فوقانی و یک جامه‌ی زیرین) را می‌پوشیدند و دلیلشان این بود که پارشونته پوشیدن لباس را اجازه داده و پوشش را مانع رهایی نمی‌دانسته است.<sup>۵</sup> همچنین عقیده داشتند که زنان می‌توانند بدون تولد دوباره، در بدن یک مرد مرد به تقدس پردازند و در نهایت به «موکتی» و «رهای» نائل شوند. این نظر نیز متأثر از نظر پارشونته است که به زنان اجازه داد تا از حیات دنیوی کناره‌گیری کنند؛ بنابراین، راه را برای رهایی حقیقی آنها مهیا کرد.<sup>۶</sup>

پیروان فرقه‌ی دیگر، دیگ آمبره‌ها، لباسی نمی‌پوشند (البته این کار در مورد راهبه‌ها اجرا نمی‌شد). و برهنگی را نشانه‌ی عدم دلبستگی به دنیا و آداب و رسوم در نظر می‌گیرند و از جام و کشکول صدقات استفاده نمی‌کنند. از دسترنج خودشان غذا می‌خورند. آنها مرجعیت متون مقدس شوتامبره و همین‌طور امکان رهایی زنان را انکار می‌کنند.<sup>۷</sup>

چنان‌که گفته شد از نظر تعالیم و اصل اساسی اعتقادی تفاوت عمده‌ای بین این دو فرقه نبود و با کمی تأمل به نظر می‌رسد علت عمده‌ی افتراق، یعنی پوشیدن یا نپوشیدن لباس، نیز نه از

1. Vaisali

2. CF Soni Jayandra, "Mahavira", vol6,p33

3. Digambra

4. Svetambara

5. Eliot SC, Hinduism and Buddhism, vol1,p112; Radhakrishnan S, op cit vol, p288

6. Kumar Asim, opcit, vol1,pxiv

7. Dundas Paul, The Jains, p 45- 49

جهت دینی، بلکه بیشتر به خاطر شرایط آب و هوایی و گرمی و سردی محل سکونت فرقه‌های جاینی بود.

آثار مهم جاین نیز که به «آگمه‌ها»<sup>۱</sup> معروف‌اند، عبارت از یازده «انگه»<sup>۲</sup> و دوازده «اوپنگه»<sup>۳</sup> «اوپنگه»<sup>۳</sup> و ده «پرکرنه»، شش «چده‌سوتره»<sup>۴</sup> و... هستند. انگه‌ها مهم‌ترین این آثارند. در واقع هیچ کدام از این‌ها نوشته‌ی خود مهاویره نیست.<sup>۵</sup> بعدها تفاسیر و رساله‌های گوناگونی نیز در این دین نوشته شد.

### هستی‌شناسی و مابعدالطبیعه

جاینی‌ها این نظریه‌ی قدیمی را باور دارند که حقیقت غایی به دو گروه اصلی تقسیم می‌شود: «جیوه»<sup>۶</sup> یا روح و «اجیوه»<sup>۷</sup> یا اجسام؛ به همین خاطر این دین در تحلیل خود از روانشناسی و سرنوشت انسان «ثنویت‌گرا»<sup>۸</sup> است؛ هرچند به غلظت مکاتب گنوسی<sup>۹</sup> نیست. جیوه مطلقاً از ماده‌ی کره‌ای (اجیوه) متمایز است و از این نظر با فلسفه‌ی سانکھی<sup>۱۰</sup> (اعتقاد به ثنویت پرورشه‌ها<sup>۱۱</sup> و پرکریتی<sup>۱۲</sup>) مشترک است که آن نیز مانند جاینی غیر ودایی و غیر آریایی است و ریشه در ادیان بومی هند دارد.<sup>۱۳</sup>

هر دو جوهر وجود شناختی؛ ازلی، ابدی و نامخلوق‌اند. تعداد ارواح، بی‌شمار و مستقل است؛ بنابراین، در جاین مقصود از ارواح قوای حیاتی، نه مثل برهمن<sup>۱۴</sup> در اوپانیشاده‌ها، روح کلی ساری و جاری در همه جا است. اندازه‌ی ارواح، متناسب با کالبدی است که ساکن آنند؛ برای مثال، در فیل بزرگ‌تر و در مورچه کوچک‌تر است. روح، کل بدنی را که در آن زندگی می‌کند در برمی‌گیرد؛ به گونه‌ای که از نوک موی سر تا ناخن انگشت پا وجود دارد. تصرف روح بر بدن، اغلب به چراغی تشبیه می‌شود که در گوشه‌ی اطاقی قرار دارد و کل آن

1. Agamas
2. Angas
3. Upangas
4. Chedasutras
5. Jacobi H, artcit, vol7, p467
6. Jiva
7. Ajiva
8. dualism
9. Gnostic
10. Samkhya
11. Purusas
12. Prakrti
13. Cf Zimmer H, op cit, p241-242
14. Brahman

را روشن می‌کند.<sup>۱</sup> از ویژگی‌های مهم ذاتی آنها قدرت، سعادت، سرور و علم مطلق است. ماهیت روح نیالوده است و آن سوی درک عقل و منطق قرار دارد و بدون رنگ و وزن و آزاد از دلبستگی است.

بنابر فلسفه جاین، جیوه‌ها انواع گوناگون دارند و اساساً به دو گروه برجسته تقسیم می‌شوند: نخست آنها که هنوز در بندند (سنسارین‌ها) و دوم آنها که رهایی یافته‌اند (موکته‌ها). نیروی ذاتی جیوه‌ها، به استثنای ارواح آزاد، با پرده‌ی نازکی از ماده‌ی کره‌ای پوشیده شده است. آنها موجودات جاندار جهان عینی‌اند که پذیرای زاده شدن، بالیدن، تباهی و مرگ را دارند. همه‌ی این صفات مشخصات این دنیاست.<sup>۲</sup> این جیوه‌های مقید و دربند، به گروه‌های بسیار دیگر نیز تقسیم شده‌اند.

جیوه‌های دچار سمساره به دو نوع تقسیم می‌شوند: یکی آن‌هایی که ثابت<sup>۳</sup> هستند، مثل گیاهان و دیگر

آن‌هایی که حرکت<sup>۳</sup> می‌کنند؛ مثل حشرات، حیوانات، دوزخیان، انسان‌ها و خدایان. تقسیم‌بندی مهم دیگر جیوه‌ها براساس مقدار احساساتشان است. پست‌ترین این موجودات گیاهانند که فقط دارای یک حس بساواپی‌اند. به این دلیل تمام آنها «یک حسی» نامیده می‌شوند.

غیر از گیاهان، فلسفه‌ی جاینی به وجود موجودات میکروسکوپی قائل است که با چشم غیر مسلح مشاهده نمی‌شوند، اما با آگاهی یوگایی درک می‌شوند. این موجودات بیشتر در خاک آب، هوا و نور یافت می‌شوند و دارای یک حس‌اند. برتر از این‌ها موجودات دارای دو حس بساواپی و چشایی هستند و به موجودات دو حسی معروف‌اند. موجودات دو حسی بیشتر قادر به حرکت از مکانی به مکان دیگرند و به این دلیل آنها را موجودات متحرک نیز خوانده‌اند. گرم‌های خاکی و درختی از این نوع‌اند.

مرحله‌ی برتر بعدی در تکامل موجود زنده، ظهور موجودات سه حسی است. حشراتی که بساواپی، چشایی و بویایی دارند، سه حسی خوانده می‌شوند؛ نمونه‌ای از این موجودات مورچه‌ها هستند. پس از این موجودات، نوع چهار حسی است که علاوه بر بساواپی، چشایی و بویایی، حس بینایی نیز دارند؛ برای مثال پروانه‌ها از این نوع هستند. برتر از این‌ها موجودات

1. Dasgupta S, opcit, vol1p 189

2. Chakravarty A, "The Jaina Philosophy", History of Philosoph eastern and western, vol1, p144

3. Sathavara

3. Trasa

پنج حسی اند که علاوه بر حواس مذکور، حس شنوایی نیز دارند. تمام جانوران برتر مثل شیر، پلنگ و... در این طبقه قرار می‌گیرند و در نهایت، بالاتر از همه‌ی این‌ها موجوداتی مانند انسان‌ها، خدایان و دوزخیان قرار دارند که علاوه بر پنج حس، از حس ششم اندیشیدن (منس)<sup>۱</sup> نیز برخوردارند.<sup>۲</sup>

پس نسبت میان روح و جسم در موجودات متفاوت است. در بعضی موجودات جیوه و در بعضی اجیوه غالب است. در انسان، جیوه قوی‌تر است، اما درجه‌ی آن در همه‌ی انسان‌ها یکسان نیست. نکته‌ی دیگر درباره‌ی مباحث مذکور این است که درجه‌ی جیوه‌ها در بین موجودات مختلف، متفاوت و در نوع یکسان است.

اصل «نامدرک» یا «اجیوه» شامل پنج جوهر است (البته در ابتدا چهار جوهر بوده است که بعدها زمان نیز به آنها اضافه شده است):<sup>۳</sup>

#### ۱- ماده یا پودگله<sup>۴</sup>

هیولای اول یا ماده‌ی خامی است که به وسیله‌ی آن جهان ساخته شده است. هر کدام از آن نقطه‌ای از فضا را اشغال می‌کند. ممکن است با شکل یا بدون شکل باشد. پودگله شامل هر چیزی است که با حواس قابل درک است و می‌تواند مورد لمس قرار گیرد، چشیده شود، تلخ، شیرین و ترش باشد. دارای وزن سنگینی، سردی، گرمی، نرمی و زبری است. ممکن است خوب یا بد باشد و ممکن است به رنگ‌های مختلف سیاه، آبی، زرد، قرمز ظاهر شود. عناصر طبیعت، زمین، آب، آتش، هوا و... همه از تجلیات ماده هستند. رقیق‌ترین آن اتم است، حتی گرما، نور، سایه و تاریکی، شکل‌هایی از ماده‌ی رقیق هستند. ماده همچون روح، واقعی و ازلی است و کیفیات کلی آن همیشه در جهان باقی می‌ماند.<sup>۵</sup>

ماده در انسان‌شناسی جاینی نیز اهمیت دارد؛ چون مستقیم در ماهیت روح تأثیر می‌گذارد؛ بدین صورت که با تبدیل شدن به کرمه کارکرد ذاتی روح را محدود می‌کند و ایمان درست، معرفت درست و کردار درست را فرو می‌نشانند.<sup>۶</sup>

1. Manas

2. Idem, pp 144, 145 ; Dundas Paul, op cit, p95 ; Smart Ninian , "Jainism", EP, vol4, p238

3. CF Jain Sagamal, artcit, vol1, pp 705, 707

4. Pudgala

5. Jain MAH, " Jainism Its history, principles, and precepts", The cultural heritage..., vol1, pp 404, 405; Dasgupta S op cit, vol1, p196

6. Soni Jayandra, art cit, vol5, p49



۲ و ۳ - دهرمه و ادهرمه<sup>۱</sup>

این دو واژه معانی خاصی در ادبیات جاینی دارند و نباید آنها را با دهرمه، به معنی نظام کیهانی و اخلاقی، ناموس و شریعت در ادیان هندی و ادهرمه، به معنی رذیلت یکی گرفت. «دهرمه» بستر جنبش اشیا و «ادهرمه» اصل سکون آنهاست. دهرمه بستر ادراک‌ناپذیری است که در آن اجسام و ارواح حرکت می‌کنند، اما خود بدون حرکت، بی‌شکل، ازلی و بدون کیفیت (عاری از رنگ، بو، مزه و لمس) است. جاینی‌ها برای تقریب آن به ذهن از تشبیه آب و ماهی استفاده می‌کنند. دهرمه مانند آبی است که فضا را احاطه می‌کند و در فضایی که بر فراز فضای این دنیاست، وجود ندارد. اجسام و ارواح به مثابه‌ی ماهی‌هایی هستند که در داخل این آب حرکت می‌کنند. ارواح در حرکت و جنبش خود آزادند، ولی حرکت آنها مشروط به وجود این ماهی لطیف است که تمام این دنیا را فراگرفته است؛ همان‌طور که آب شرط منفعل برای حرکت ماهی است و نمی‌تواند ماهی را برای حرکت و سکون مجبور کند و از طرفی اگر ماهی بخواهد حرکت کند، آب برای حرکتش ضروری است، دهرمه هم نمی‌تواند روح یا ماده را به حرکت وادارد، اما آنها نیز نمی‌توانند بدون حضور دهرمه حرکت کنند.

نکته‌ی دیگر در مورد دهرمه این است که برای ارواح آزاد که به سکون می‌رسند، هیچ دهرمه‌ای نیاز نیست. آنها نمی‌توانند حرکت کنند؛ چرا که ضرورتی برای حضور عنصر حرکت (دهرمه) نیست. حال جوهری که باعث می‌شود اشیا و ارواح سکون اختیار کنند و از حرکت بازمانند، اصل متضاد دهرمه (ادهرمه) است (جاینی‌ها که بدین گونه قوانین حرکت را بررسی کرده‌اند، اظهار می‌کنند بعضی از قوانین نیوتن را پیش از او کشف کرده‌اند<sup>۲</sup>). در پایان باید گفت که یکی از کتب تفسیری جاین، یعنی «توضیح توضیحات» اهمیت این جوهر را با این بیان بسط می‌دهد که دهرمه فقط موجب حرکت فیزیکی معمولی نیست، بلکه همچنین موجب فعالیت ذهنی و زبانی است؛ در حالی که ادهرمه موجب می‌شود ذهن از تأمل و نظر متوقف شود.<sup>۳</sup>

۴- آکاشه یا فضا<sup>۴</sup>

چهارمین عنصر یا اجیوه، «اثر» یا فضا (آکاشه) است. این عنصر، خود، فضایی را اشغال نمی‌کند، بلکه خودِ فضاست و فضای لازم را برای وجود یافتن جوهرهای دیگر مهیا می‌کند.

1. Daharma , Adharma

2. Idem. ; Cf Chkravarty A, art cit, vol1, P144 ; Dasgupta S, opcit, vol,1, pp 197,198

3. Dundas Paul, opcit,p95

4. akasa

بر اساس کیهان‌شناسی جاینی، فضا تنها عنصری است که جهان محسوس (لوکه)<sup>۱</sup> و غیر محسوس (الوکه)<sup>۲</sup> را فرامی‌گیرد و تنها بخش «لوکه» با عناصر پرمی‌شود و قسمت «الوکه» تهی است. هر روح و هر شیء موجود در این جهان مقداری از آن را اشغال می‌کند. اشیا مادی بدون موقعیت مکانی به اندیشه در نمی‌آیند؛ به این دلیل اندیشمندان جاین فضا را به عنوان مقوله‌ی لازم جهان بیرونی مسلم می‌دانند. فضا خود عاری از کیفیات مادی و صورت است؛ از این رو رنگ، طعم، بو و... ندارد و نیز ناآگاه است.<sup>۳</sup>

### ۵- کاله<sup>۴</sup> یا زمان

«زمان» پنجمین اجیوه و عنصر نامدرک است. از آنجا که اندیشمندان جاین به واقعیت دگرگونی و تحرک در حیطه‌ی اجسام و رشد و پیشرفت در جهان معتقدند، بر واقعیت زمان تأکید می‌کنند. آنها زمان را همچون کیش زروانی به دو بخش تقسیم می‌کنند: یکی زمان مطلق<sup>۵</sup> (موجب پیوستگی و بقاء اشیا است که آغاز و پایان ندارد)؛ دیگری زمان نسبی و تجربی<sup>۶</sup> (علت فرعی تغییرات و دگرگونی‌های مادی) است.

زمان، مرکب از ذرات بی‌شمار است که هر گز با هم نمی‌آمیزند. تعداد ذرات زمانی، مساوی با تعداد نقاط فضایی است و در هر نقطه، فقط یک ذره‌ی زمانی موجود است. زمان به لحظه‌های متوالی تقسیم می‌شود و کوچک‌ترین واحد آن لحظه است. واحدهای دیگر آن دقیقه، ساعت و... است. ذره یا لحظه‌ی زمانی، مساوی با مدتی است که طی آن یک ذره‌ی مادی از نقطه‌ای به نقطه‌ی دیگر فضا حرکت می‌کند. جاینی‌ها معتقدند که یک ذره‌ی مادی و یک ذره‌ی زمانی و یک نقطه‌ی فضایی به صورت واحد جدایی‌ناپذیری موجودند و همه با هم تار و پود جهان طبیعی را تشکیل می‌دهند.<sup>۷</sup> زمان در سطح کیهان‌شناختی آن، دارای دو دوره‌ی دوره‌ی طولانی است و با چرخ دوازده پره مقایسه می‌شود. شش مرحله‌ی آن نزول تدریجی ارزش‌ها و شش مرحله‌ی آن صعود تدریجی ارزش‌هاست.

اکنون در ادامه‌ی بحث هستی‌شناسی جاینی از کرمه سخن می‌گوییم که موجب پیدایی و بازپیدایی می‌شود.

1. Loka
2. Aloka
3. Chakravarty A, art cit, vol1, p143
4. kala
5. Paramarthika Kala
6. Vyaraharika Kala

۷. شایگان داریوش، ادیان و مکتب‌های فلسفی هند، ج ۱، تهران، امیرکبیر، ۱۳۸۳، صص ۲۰۲ و ۲۰۳.

## کرمه

«کرمه» از ریشه‌ی «کری»<sup>۱</sup> به معنی انجام دادن و «سمساره» از مفاهیمی هستند که در دوره‌ی ودایی وجود نداشته‌اند. کرمه بعدها در اوپانشادها و مکاتب دیگر هندوییی برای بیان علت تناسخ گسترش یافت. در بودایی و جاینی نیز به دلیل این که اعتقاد به خدای شخصی وجود نداشت، کرمه اصل بنیادینی در بازپیدایی می‌شود.

جاینی‌ها در اعتقاد به کرمه در دو زمینه‌ی اصلی از آیین هندوییی متمایزند: هندوها بر این باورند که خدا تنبیه را چنان که در شریعت تجویز شده است، فقط به کرمه‌های بد تحمیل می‌کند؛ در حالی که جاینی‌ها با عدم باور به خدای متعال (فعال مایشاء در حاکمیت جهان) اظهارمی‌کنند کرمه به طور خودکار و بدون هرگونه مداخله‌ی خارجی کار می‌کند. تفاوت دیگر این است که هندوها کرمه را بدون شکل در نظر می‌گیرند؛ در حالی که جاینی‌ها اعتقاد دارند کرمه دارای شکل است و ثابت می‌کنند کرمه نمی‌تواند بی‌شکل باشد؛ زیرا اشیاء بی‌شکل نمی‌توانند برای ما مفید یا مضر باشند.<sup>۲</sup>

کرمه در جاین، اصل معتبری تلقی می‌شود و روح را با بدن و ماده پیوند می‌دهد. کرمه اوضاع دنیوی جیوه را مشخص می‌کند. موقعیت کرمه در جاین شبیه نیروی نامریی<sup>۳</sup> در نیایه<sup>۴</sup>، پرکریتی در سانکهیبه، مایا<sup>۵</sup> در ویدانته<sup>۶</sup>، واسانا<sup>۷</sup> در بودایی و شکتی<sup>۸</sup> در شیوایی<sup>۹</sup> است.<sup>۱۰</sup>

از این رو، علت تجسم روح، ماده‌ی کرمه‌ای است. نظریه‌ی کرمه سنگ بنای نظام جاین است. همان‌طور که گفته شده است ویژگی اصلی روح، معرفت<sup>۱۱</sup> مطلق، شهود با ایمان<sup>۱۲</sup>، سعادت والا و کمال مطلق است. این صفات ذاتی روح به خاطر حضور کرمه در ارواح دنیوی، ضعیف یا تاریک می‌شود. کرمه همچنین موجب تجارب خوشایند و ناخوشایند است.<sup>۱۳</sup>

اتصال مواد کرمه به روح به مثابه‌ی پیوند ذرات گرد و غبار به جسمی است که آغشته به مواد چربی است. این ذرات کرمه آن چنان روح را احاطه کرده‌اند که مانند جسمی مادی

1. kri

2. Stevenson S, op cit, pp 174,175

3. adrsta

4. Nyaya

5. Maya

6. Vedanta

7. Vasana

8. Sakti

9. Saivaism

10. Jain Sagarmal, art cit, vol1, p699

11. Jnana

12. darsana

13. Jacobi H, art cit, vol7, p469

جلوه‌گر می‌شود. مواد لطیف کرمه به تدریج در جوهر روح رخنه می‌کند و این عمل را «نفوذ» یا «دخول» می‌گویند. بر اثر همین دخول، فعل و انفعالاتی شیمیایی بین آن دو تحقق می‌یابد؛ بنابراین، این نفوذ یا دخول که در جاینی «اسروه»<sup>۱</sup> نامیده می‌شود، کانال‌ها یا راه‌هایی را ارائه می‌کند که از طریق آنها کرمه به روح وارد می‌شود؛ دقیقاً مانند کانال‌هایی که از طریق آنها آب به آنگیر یا دریاچه وارد می‌شود،<sup>۲</sup> اما جاینی‌ها بین این کانال‌ها و کرمه که عملاً از طریق کانال‌ها داخل می‌شود تمایز قائلند؛ بنابراین، آنها به دو نوع اسروه، «بهاواسروه»<sup>۳</sup> و «کرماسروه»<sup>۴</sup> باور دارند. «بهاواسروه» به معنی فعالیت‌های فکری روح است و از طریق یا براساس آن ذرات کرمه به روح وارد می‌شود، اما «کرماسروه» به معنی دخول عملی ماده‌ی کرمه به روح است. این بهاسروه‌ها پنج نوع کلی هستند: ۱- فریب و توهم؛ ۲- عدم کنترل و بی‌مبالاتی؛ ۳- فعالیت‌های بدنی؛ ۴- ذهن و کلام؛ ۵- امیال.<sup>۵</sup>

مواد کرمه‌ای به هشت نوع پرده‌ی کرمه تبدیل می‌شود که مجموعاً جسم لطیف را تشکیل می‌دهند. این جسم لطیف همان میراث روانی موجودات است که به موجب آن، گردونه‌ی باز پیدایی و زایش دوباره گریبانگیر انسان می‌شود.<sup>۶</sup>

در جمع‌بندی نهایی می‌توان گفت که کرمه چهار منبع دارد:

عقیده‌ی غلط (میته‌توه)؛<sup>۷</sup>

دل‌بستگی (اویرتی)؛<sup>۸</sup>

آز (کاشیه)؛<sup>۹</sup>

پیروی از امور دنیوی.

از کرمه ۱۴۸ (بنابر نظر برخی ۱۵۸) نوع خاص وجود دارد که به هشت بخش اصلی تقسیم می‌شوند<sup>۱۰</sup> و در اصل دو گروه چهاربخشی هستند که عبارت‌اند از: الف- کرمه‌های مضر که گمراه‌کننده هستند و موجب دیدگاه‌های نادرست و ناتوانی می‌شوند و از بین بردنشان سخت

1. asrava  
2. Dasgupta Surama, opcit, p196  
3. bhavasarva  
4. karmasrva  
5. Dasgupta S, opcit, vol1, pp192,193

۶. شایگان داریوش، همان، صص ۲۰۵ و ۲۰۶

7. Mithyatva  
8. Avirati  
9. Kashaya  
10. Finegan Jack, The Archeology of world Religions, p211

است؛<sup>۱</sup> ب- کرمه‌های بی‌ضرر.<sup>۲</sup>

۱- جناناورنیه<sup>۳</sup>: کرمه‌ای است که مانع معرفت می‌شود یا معرفت و علم مطلق را می‌پوشاند؛ مانند ابری که آفتاب را می‌پوشاند. این کرمه در یک سطح، فعالیت معمولی عقل و احساسات را کنترل می‌کند و در سطح دیگر از فعالیت استعدادهای ذهنی متکامل جیوه، مثل علم مطلق جلوگیری می‌کند.

۲- درشناورنیه<sup>۴</sup>: کرمه‌ای که ادراک فطری روح را پنهان می‌کند، از درک اندام حسی و انواع گوناگون معرفت منشعب از آنها جلوگیری و ایمان حقیقی را پنهان می‌کند.

۳- ودنیه<sup>۵</sup>: کرمه‌ای است که طبیعت سعادت‌مند روح را تیره و تار می‌کند و احساس درد و لذت را موجب می‌شود.

۴- موهنیه<sup>۶</sup> (توهم): کرمه‌ی وهم و فریب است که رویکرد درست روح را درباره‌ی ایمان، کردار، حواس و عواطف دیگر خراب می‌کند و تردید، خطا، رفتار درست یا غلط، شهوات و بیانات ذهنی گوناگون را موجب می‌شود.

۵- آیوشکه<sup>۷</sup>: کرمه‌ای که مدت زندگی دوزخیان، حیوان، انسان یا خدا را در هنگام تولد مشخص می‌کند.

۶- نامه<sup>۸</sup>: این کرمه به ویژگی‌های جسمانی معنی می‌بخشد.

۷- گوتره<sup>۹</sup>: کرمه‌ای است که ملیت، کاست، موقعیت خانوادگی، اجتماعی و ... یک فرد را مشخص می‌کند.

۸- انترایه<sup>۱۰</sup>: این کرمه نیروی ذاتی روح را تیره و تار می‌کند و بدین وسیله هنگامی که میل به انجام دادن خوبی است، از انجام دادن آن جلوگیری می‌کند.<sup>۱۱</sup>

از هشت نوع کرمه‌ی اصلی مذکور، از بین بردن کرمه‌های اول، دوم، چهارم و هشتم بسیار مشکل است، اما بقیه‌ی کرمه‌ها به راحتی از بین برده می‌شوند.<sup>۱۲</sup>

1. ghatiya

2. aghatiya

3. Jnanavararaniya

4. darsanavaraniya

5. Vedaniya

6. mohaniya

7. Ayuska

8. nama

9. gotra

10. antaraya

11. Jacobi H, artcit, vol7, p 469

12. Finegan Jack, opcit, p212

اعمال نیک و بد، هر دو باعث کرمه می‌شوند. حال، کرمه بر حسب آن که ناشی از اعمال نیک و بد باشد، رنگ‌های گوناگونی؛ چون سیاه، آبی، خاکستری، زرد، سرخ و سفید به خود می‌گیرد. آنها در ابتدا با چشم دیده نمی‌شوند. این رنگ‌ها را «لِشیا»<sup>۱</sup> می‌نامند. سه رنگ نخستین، به صفات بد تعلق دارند؛ مانند ظلم، شهوت و ... و سه رنگ آخر به صفات نیکی؛ مانند محبت، بی‌تفاوتی و ... تعلق دارند؛<sup>۲</sup> این در حالی است که روح در مرحله‌ی نخست بی‌رنگ است. البته در طی زندگی این رنگ‌ها براساس رفتار اخلاقی موجود زنده عوض می‌شوند.

نکته‌ی دیگر در مورد رنگ‌ها این است که بنا بر نظر زیمر، نظریه‌ی رنگ‌های کرمه‌ای (لشیاها) مختص جاینی‌ها نیست، بلکه ظاهراً از میراث مشترک پیش آریایی است که در «مگداه»<sup>۳</sup> (شمال شرقی هند) حفظ شد و دوباره تعدادی معلمان غیر براهمنه‌ای در قرن پنجم ق. م آن را بیان کردند،<sup>۴</sup> اما در هر صورت این کرمه‌ها باعث بازپیدایی می‌شوند. کرمه‌ی بد زندگی سابق، باعث باز پیدایی روح با قیده‌های آهنین می‌شود و در صورت خوبی اعمال، بازپیدایی روح با زنجیره‌ای طلایی شکل می‌گیرد.<sup>۵</sup>

### کرمه در هنگام بازپیدایی

در زمان مرگ، جیوه کالبد خود را ترک می‌کند و در مکان دیگری که تقریباً هم‌زمان متولد می‌شود، به حیاتش ادامه می‌دهد. از نظر جاینی‌ها نیز همچون دیگر ادیان هندی، وضعیت ذهنی فرد در لحظه‌ی دقیق مرگ، به ویژه در تعیین ماهیت کالبد بعدی بسیار مهم است. نظریه‌ی جاینی‌ها در سرعت انتقال جیوه از یک زندگی به زندگی بعدی، به جهش میمون‌نشیبه شده است. این نظریه موجب شد آنها مباحث مفصل آیین‌های هندویی و بودایی را در مورد تناسخ کنار بگذارند. جیوه در هنگام تناسخ در مرحله‌ی میان دو وجود با کالبدهای نورانی و کرمه‌ای نامشهود و لطیف پوشانده و به کالبد جسمی آمیخته با گوشت و خون متصل می‌شود. این امر فرآیند سریع تولد دوباره را تسهیل می‌کند.

زمانی که جیوه به حیات بعدی خود می‌رسد، فرآیندی از بارداری و تکوین در رحم اتفاق می‌افتد. جیوه گرچه در هنگام جنینی دارای احساسات کامل یا گوشت و خون نیست، همچنان

1. Lesya

2. Jacobi H, artcit, vol7, p469

3. Magadha

4. Zimmer H, opcit, pp 250, 251

5. Stevenson S, opcit, p176

با کالبد‌های نورانی و کرمه‌ای پوشانیده می‌شود که با آن تناسخ پیدا می‌کند و با خون مربوط به قاعدگی مادر و نطفه‌ی پدر زنده می‌ماند و از آن تغذیه می‌کند. گوشت، خون و مغز جنین از مادر و استخوان، مو و ناخن از پدر شکل می‌گیرد. این شکل از حیات، تنها ویژگی‌های انسان‌ها و حیوانات است و در مورد خدایان و دوزخیان که خود به خود ظاهر می‌شوند و برای بسیاری از شکل‌های پایین‌تر حیات صادق نیست. آنها از طریق فرآیند انعقاد متولد می‌شوند.<sup>۱</sup>

اکنون باید پرسید با توجه به این که شخصیت و کیفیت وجودی ما را کرمه می‌سازد، آیا دین جاینی به تقدیرگرایی صرف قائل است؟ پاسخ دین جاین این است: در حالی که وضعیت هر «خود»، بی‌تردید، مطابق با ماهیت کرمه است، «خود» در انجام دادن یا ندادن عمل خوب و بد مختار است. او می‌تواند هدف خوب یا بد را با اراده‌ی خود اختیار کند و آینده‌ی خویش را بیافریند. قانون کرمه می‌گوید: وضعیت کنونی براساس گذشته ایجاد شده است و آینده براساس عصر حاضر آفریده می‌شود. ارتباط متقابل گذشته، حال و آینده، خود شخص است. این شالوده‌ی تعلیم بازپیدایی است.<sup>۲</sup>

هدف عالی جاینی‌ها نجات از طریق تخلیه و تصفیه‌ی کرمه است؛ یعنی این که نه تنها باید کرمه‌ی موجود را تخلیه کرد، بلکه باید از دخول کرمه‌ای جدید نیز جلوگیری کرد. مهم‌ترین راهی که برای رسیدن به این هدف پیشنهاد می‌شود، طریق ریاضت سخت‌گیرانه است؛ لذا اکنون، به فرآیند نجات می‌پردازیم که از مسیر اخلاق و به ویژه اهیمنسا است.

## اخلاق

هدف اصول اخلاقی جاین، درک «نیروانه»<sup>۳</sup> (مکشه یا رهای) است. محور اخلاق جاینی زهد و ریاضت است و در این موضوع از دین بودایی سخت‌گیرتر است. گرایش اصلی انسان باطنی «راه آزادی» است. شرط اصلی برای رسیدن به این راه و آزادی از تاریکی کرمه «ایمان درست»، «معرفت درست» و «رفتار درست» است که به «سه گوهر» تعبیر می‌شوند.<sup>۴</sup> هر یک از مکاتب هندی بر یکی از این سه شرط، به عنوان لازمه‌ی رستگاری تأکید می‌کنند.

- برخی بر ایمان یا بهکتی<sup>۵</sup> تکیه می‌کنند؛

1. Dundas Paul, opcit, pp100-103

2. Sukalal SP, " Some Fundamental Principles of Jainism", The cultural..., vol1, p438

3. Nirvana

4. Radhakrishnan, opcit, vol1, p325

5. bhakti

- برخی معرفت را پیشنهاد می‌کنند؛ بدین معنا که اگر شخصی ماهیت راستین چیزها را بشناسد، آنگاه نفس پاک خویش را خواهد شناخت؛

- برخی دیگر بر رفتار درست تأکید می‌کنند.

بنابر عقیده‌ی جاینی‌ها هر کدام از این‌ها توصیف یک جنبه‌ی طریق‌رهایی هستند. فردی که در زندگی خود خواستار رستگاری است. باید به هر سه عمل کند؛ زیرا که هریک از آنها عنصری لازم است، اما کافی نیست.

در توضیح ضرورت این انضباط سه‌گانه اغلب از تمثیل بیمار استفاده شده است: کسی که از نوعی بیماری رنج می‌برد و خواستار بهبود است، باید به پزشک اعتماد مطلق داشته‌باشد، از ماهیت دارویی که تجویز می‌شود آگاه باشد و دارو را مطابق دستور مصرف کند. این سه عنصر باید با یکدیگر جمع شوند تا موفقیت قطعی شود.

ذکر این نکته مهم است که ایمان درست، ایمان کورکورانه نیست، بلکه ایمانی خردمندانه به آموزگار راستین و آموزش راستین است. ایمان درست فقط با ازمیان رفتن سه خرافه حاصل می‌شود:

اعتقاد توده‌ی مردم به این که استحمام در بعضی رودخانه‌ها، طواف به دور بعضی درختان و... انسان را تطهیر می‌کند؛

اعتقاد به خدایان و پرستش آنها به منظور شفا از بیماری و...؛

اعتقاد به شیادان و قبول آنها به عنوان آموزگار دین.

با پیشرفت معنوی مرحله‌ای فرا می‌رسد که شخص درمی‌یابد ایمان، شناسایی و رفتار درست، چیزی جز صفات ذاتی طبیعت پاک خود او نیستند. آگاهی کامل، خود بربردارنده‌ی ایمان محکم به صفای خود شخص و سرانجام صفای پاک اعمال خود اوست.

با توجه به نکات یادشده، هر روحی قادر است در صورت کمال به الوهیت برسد.<sup>۱</sup> بنا بر نظر زیمر نیز در دین جاین هدف انسان‌ها باید با از بین بردن موانع موجود، آشکار کردن قدرتی باشد که در درون آنها مستور است.<sup>۲</sup>

کمال رفتار درست و قوانین زاهدانه در پنج سوگند یا پیمان بزرگ، منسوب به مهاویره خلاصه شده است: نخستین و مهم‌ترین این‌ها «اهیمسا» (پرهیز از خشونت، پرهیز از آزردهن دیگران و محترم شمردن حق حیات برای همه‌ی موجودات) است. عمل به اهِمِسا محبت به

1. Chakravarty A, art cit, vol, p148

2. Zimmer H, opcit, p254



همه‌ی موجودات زنده است و دربرگیرنده‌ی پندار نیک، گفتار نیک و کردار نیک است. فکر آزار رساندن به اندازه‌ی عمل آزار رساندن معصیت‌بار است. «همسا»<sup>۱</sup> (آزاررسانی) «پاپه»<sup>۲</sup> (گناه کبیره) است. راهبان جاینی که معمولاً سرگردان هستند، لازم است در موسم بارندگی در محلی توقف کنند تا از آسیب رساندن غیرارادی به زندگی انواع موجودات که در نتیجه‌ی فراوانی آب بیرون می‌آیند، جلوگیری شود. برای دوری از آزار رساندن به حشرات، گروه‌های خاصی از راهبان، حتی دهان و بینی خودشان را می‌پوشاند تا راه ورود آنها را بگیرند؛ به همین دلیل یکی از پیمان‌های اصلی راهبان پرهیز از خوردن بعد از غروب است.

اعتقاد به همسا، اعتقاد مشترک بسیاری از ادیان هندویی است که در دین بومیان هند ریشه دارد؛ زیرا بنا بر دانش باستانی، کل جهان زنده است. ویژگی اصلی اعتقادات جاین نیز که ریشه در باورها و اسطوره‌های باستانی دارد، جانمندانگاری همه‌ی اشیاء<sup>۳</sup> است؛ بنا بر این، عقیده هر چیزی که در جهان وجود دارد دارای روح است. نه تنها حیوانات، بلکه گیاهان، سنگ‌ها، قطرات آب و... هم دارای روحند. همسا نیز که یکی از اعتقادات بومیان هند بود، ریشه در آن اعتقادات داشت.<sup>۴</sup>

همچنین زمینه‌ی تأکید بیش از حد دین جاین درباره‌ی پرهیز از خشونت، در باورهای ماوراء الطبیعی آن است. خشونت موجب جمع‌شدن مقدار زیادی کرمه می‌شود و چون آزادی، با از بین رفتن کامل کرمه ممکن است، باید از اعمال خشونت آمیز اجتناب کرد؛ از این رو، اصل اساسی حیات دینی و اخلاقی جاینی همسا است<sup>۵</sup> و دیگر اصول این دین نیز بر پایه‌ی همسا بنا شده است. پیمان و سوگند دوم، راستگویی<sup>۶</sup> و پرهیز از دروغ‌گویی است. شخص باید مراقب باشد کلام سودمند بر زبان آورد و از کلام مضر و آزاردهنده اجتناب کند؛ بنابراین، راستگویی به شرط همراه بودن با اصول همسا پذیرفته است.

سوم، پرهیز از دزدی و پذیرش چیز اعطا نشده؛<sup>۷</sup>

چهارم، پرهیز از تمایلات نفسانی و جسمانی؛<sup>۸</sup>

پنجم، پرهیز از دلبستگی‌های دنیوی و حرص.<sup>۹</sup>

1. Himsa

2. papa

3. Panpsychism

4. Eliade Mircea, A History of Religious Ideas, vol2, p87

5. Soni Jayandra, art cit, vol5, p52 1

6. Sunrta

7. asteya

8. brahmcharya

9. aparigraha

چنان‌که دیده شد رسیدن به رهایی، بسیار مشکل و مستلزم زندگی رهبانی است. راهی که مهاویره پیشنهاد می‌کند، شبیه راهکاری است که در بودایی و یوگا است و در ادیان باستان هند ریشه دارد، اما دین جاین بر قدرت ریاضت بسیار تأکید می‌کند و آن را تنها راه برای از بین بردن ماده‌ی کرماه‌ای می‌داند. ریاضت سخت‌گیرانه تنها راه مؤثر برای خودداری از رفتار شریرانه، حتی به صورت غیرارادی در حق موجودات زنده است.

دلیل اصلی روی آوردن جاینی‌ها به تجارت و بازرگانی و خودداری از کشاورزی، پیروی از اصل اهمیسا است.<sup>۱</sup> آنها بردباری را خیری عظیم و لذت را منبع گناه می‌دانند. انسان باید سعی کند به لذت و درد پی‌توجه باشد. آزادی حقیقی استقلال از همه‌ی امور ظاهری است.<sup>۲</sup> الکل و تفریحات عمومی ممنوع است و مردم به حمایت راهبان و معابد تشویق می‌شوند. علاوه بر ریاضت، راهب باید با مراقبه‌های گوناگون برای تصفیه‌ی فهم و دانش کوشش کند. از یک سو او باید با اندیشیدن درباره‌ی ناپایداری همه‌ی موجودات، از جمله خدایان، کاربرد کرمه، ساختار کیهان و... تعالیمی را برای خود روشن کند و از سوی دیگر او باید به «دیانه» (تأمل و نظر عمیق) عمل کند تا ذهن را از تصورات و اندیشه‌های استدلالی رها سازد.<sup>۳</sup> مراقبه همچنین فرد را برای اجرای پیمان‌ها قدرتمند می‌کند.

نتیجه‌ی دستورالعمل‌های اخلاقی جاینی ممکن است «موت اختیاری» نامیده شود. این نوع مرگ که هم برای راهبان و هم برای مردم عادی پیشنهاد می‌شود، مرگی است که حقیقتاً کالبد جسمانی و احساسات درونی را لاغر و ضعیف می‌کند. دین جاین با خودکشی مخالف است و جاینی‌ها از آن پرهیز می‌کنند، چون در خودکشی امیالی مثل دلبستگی، نفرت و شیفتگی است. مرگ بدون امیال، مؤثرترین عمل زاهدانه برای خلاصی روح از امیال و به پایان رساندن زندگی اخلاقی است.<sup>۴</sup>

### نجات (مکشه)

با پی‌گیری مباحث گذشته (کرمه و اخلاق) آموزه‌ی نجات در دین جاینی روشن می‌شود. «نجات» (موکتی) محور تمام فلسفه‌های دینی- اخلاقی است. «رهايي» هدف غایی هر فرد

1. Smart Ninian, artcit, vol4, p239  
 2. Radha Krishnan, opcit, vol1, p326  
 3. Smart Ninian, artcitvol4, p239  
 4. Soni Jayandra, artcit, vol5, p53

جاینی است و با توقف هر نوع تماسی با ماده، یعنی با خودداری از کرمه‌ی حیات گذشته و کرمه‌ی جدید حاصل می‌شود. «موکتی» به معنی از دست دادن هویت نیست؛ زیرا روح در هنگام آزادی نیز هویت خویش را حفظ می‌کند و این کار با بخشی از مراقبه‌ها و در پیش گرفتن زندگی رهبانی حاصل می‌شود؛ در نتیجه، تنها راهبان و راهبه‌ها می‌توانند دنبال رستگاری باشند، اما زندگی رهبانی برای همه آزاد است. راهب با رعایت اعمالی که پیشتر گفته شد و با پیروی از زندگی الگوهایی، مثل مهاویره و تیرتنکره‌ها که به «کواله»<sup>۱</sup> و «نیروانه» رسیدند، می‌تواند به نجات برسد.

نکته‌ی شایان اشاره درباره‌ی «مکشه» تفاوت آن با «اشراق» است. اشراق بعد از پرورش رفتار مثبت اخلاقی، عمل ریاضت، پرهیز تدریجی از فرآیندهای ذهنی منفی، از بین بردن کرمه‌ی گمراه‌کننده و سه کرمه‌ی مضر دیگر حاصل می‌شود؛ از این رو، روشنگری و اشراق مستلزم مرگ نیست؛ زیرا در هنگام اشراق چهار کرمه‌ی بی‌ضرر هنوز فعالیت دارند و با کرمه‌ی «نامه» زندگی شخص ادامه می‌یابد؛ بنابراین، شخص اشراق یافته همچون تیرتنکره یا کیواله، ممکن است دوره‌ی زیادی را بعد از رسیدن به اشراق به فعالیت‌های بدنی و ذهنی مثل تنبیه، وعظ و مراقبه سپری کند، اما هیچ کرمه‌ی جدیدی با این فعالیت‌ها تشکیل نمی‌شود و امکان ندارد او حتی به صورت غیر ارادی اعمال خشونت‌آمیز انجام دهد.<sup>۲</sup>

نکته‌ی دیگر این که در دین جاین، مانند بودایی نجات به طبقه‌ی اجتماعی خاصی منحصر نیست و همه (حتی پیروان ادیان دیگر غیر جاینی) در صورت رعایت قوانین اخلاقی و رهبانی می‌توانند به نجات برسند. زنان در فرقه‌ی «دیگ آمبره» نمی‌توانند به نجات برسند؛ زیرا از عمل به برهنگی رهبانی ممنوع هستند، البته این اعتقاد در فرقه‌ی «شوتامبره» وجود ندارد.<sup>۳</sup>

نکته‌ی بسیار شایان توجه در دین جاین این است که نجات از بین همه‌ی موجودات، تنها به انسان‌ها تعلق می‌گیرد؛ لذا بهترین شکل تولد مربوط به انسان‌هاست<sup>۴</sup> و حتی خدایان نیز موقعیت انسان‌ها را ندارند؛ چون فقط انسان قادر به اجرای «یوگه» است که شرایط لازم را برای درهم شکستن همه‌ی بندهای اسارت قبل از نیل به آزادی روحی فراهم می‌کند. انسان در این جهان موجودی خوش‌بخت دانسته شده است؛ زیرا به هدف غایی زندگی نزدیک است. از

1. Kevala

2. Dundas Paul, op cit, p104

3. Eliade Mircea, opcit, vol2, p88

4. Caillat C, "Jainism", in ER, vol17, p510; Caillat c, "Jainism", The Religious tradition..., p 102

این نظر اندیشه‌ی جاین انسان را از میان ارواح گرفتار سمساره بر والاترین پایگاه قرار داده است.<sup>۱</sup> خدایان نیز برای نیل به رستگاری باید به صورت موجودات بشری زاده شوند؛ چون رهایی آنها گذراست و بعد از پایان نیکی کرمه‌ای، گرفتار گردونه‌ی سمساره می‌شوند. نیروانه به هیچ وجه نابودی روح نیست، بلکه راه و روش سعادت‌مندی بی پایان است. روح رها یافته از بازپیدایی، به فطرت خود برمی‌گردد و دارای فهم کامل، معرفت نامتناهی، آزادی مطلق و سعادت ابدی می‌شود.<sup>۲</sup>

در پایان باید گفت دین جاین به هیچ وجه لطف و بخشش را نمی‌پذیرد؛ انسان نمی‌تواند از دیگران انتظار نجات داشته‌باشد؛ چون خدایان نیز خود گرفتار سمساره‌اند. مهاویره و بقیه‌ی تیرتنکره‌ها فقط الگوی نجات معرفی می‌شوند و در این زمینه نمی‌توانند به انسان کمکی بکنند. انسان باید خود چاره‌ای بیندیشد؛ زیرا با نیرویی که در ذات فرد هست، می‌تواند به درجه‌ی الوهیت و نجات برسد.

#### منابع

- Caillat Colette, « Jainism », in *E.R.*, Mirceed Eliade (ed.), vol.7, Macmillan, 1987.
- Caillat Colette, "Jainism", *The Religious tradition of Asia*, Joseph M.K. (ed), Routledge, 2002.
- Chakrararty A., " The Jaina philosophy", *History of philosophy eastern and Western*, S. Radhakrishnan (ed.), vol.1, George Allen an Unwin LTD, 1967.
- Chakrararty Appaswami, « Jainism: Its Philosophy and ethics", *The Cultural heritage of India*, S Radhakrishnan (ed.), vol.1, The Ramakrishna mission institute of Culture, 1970.
- Chatterjee A.K., *A Comprehensive history of Jainism*, vol. 1, Munshiram Manoharlal P., 2000.
- Dasgupta Surama, *Development of moral Philosophy in Indian*, Orient longmans, 1961.
- Dasgupta Surendranath (S), *A history of Indian Philosophy*, vol.1, Cambridge University P., 1973.
- Dundas Paul, *The Jains*, Routledge, 2002.
- Eliade M., *A history of Rouligious ideas*, vol.2, The university of Chicago P., 1982.
- Eliot S. Charkes, *Hinduism and Buddhism*, Vol.1, Munshiram Manoharlal, 1921.

1. Chakravarty A, artcit, vol1, p146

2. Radha Krishnan, opcit, vol1, pp 332,333

- Finegan Jack, *The Archeology of World Religions*, Princeton University P., 1971.
  - Jacobi Hermann, « Jainism", *E.R.E.*, vol.7 , James Hastings (ed.), Charles Scribners sons, 1980.
  - Jain M.A.H., « Jainism: Its history, principles and precepts", *The Cultural heritage of India*, vol.1, 1970.
  - Jain Sagarmal, «Origin and development of Jainism..." History of Science, *Philosophy and culture...*, vol.1,....
  - Radhakrishnan S., *Indian Philosophy*, vol.1, Humanties P., 1971.
  - Smart Ninian, *Doctrine and argument in Indian Philosophy* , George Allen and Unwin L.T.D., 1964.
  - \_\_\_\_\_., « Jainism", *E.P.*, vol.4, Paul Edward (ed.), Macmillan, 1967.
  - Soni Jayndra, «Jain Philosophy", *R.E.P.*, vol.5, Edward Craig (ed.), Routledge, 1998.
  - ....., «Mahavira", *R.E.P.*, vol.6,.....
  - Stevenson S., *The Heart of Jainism*, Oxford University P. , 1915.
  - Sukslal S. P., «Some fundamental Principles of Jainism", *The Cultural heritage of India*,.....
  - Zimmer Heinrich, *Philosophies of India*, Princeton University P., 1971.
- شایگان داریوش، *ادیان و مکتب‌های فلسفی هند*، ج ۱، تهران، انتشارات امیرکبیر، ۱۳۸۳.

Archive of SID